

از کارگران چریک فدائی خلق بیاموزیم !

رفیق علی احمدی



چریک فدائی خلق رفیق علی احمدی، کارگر درد کشیده ای بود که از همان دوران کودکی فقر و گرسنگی را با پوست و گوشت خود لمس کرد. او که در یک خانواده فقیر در محله سید کامل (باغ مولوی) بندر عباس متولد شده بود از همان کودکی به دلیل بیماری پدر، با محرومیت و گرسنگی و اجبار به کار و تحمل رنج استثمار آشنا شد.

رنج ها و آلام زندگی در نتیجه بیماری پدر خیلی زود سلامت مادرش را نیز به خطر انداخت و در نتیجه مسئولیت تأمین خانواده به دوش مادر بزرگ علی احمدی افتاد که با کار در خانه های مردم امکان ادامه زندگی خانواده را میسر می ساخت. در چنین شرایطی رفیق علی اجباراً از همان کودکی به کار روی آورد تا ضمن تأمین زندگی خود به تأمین مخارج خانواده اش نیز کمک کند. او همانند بسیاری از کودکان خانواده های تهی دست در بندر عباس در اسکله کار می کرد و چون کار در اسکله فصلی بود به کارهای آزاد دیگر هم می پرداخت. این شرایط به طور طبیعی امکان تحصیل را از وی سلب نمود در عین حال که باعث شد که وی شرایط ظالمانه حاکم بر زندگی کارگران و رنجبران که خود یکی از آن ها بود را به طور هر چه عینی تر درک نماید. درست با توجه به چنین شرایط زندگی محنت بار رفیق علی احمدی بود که همواره قلب بزرگ و مهربانش برای ستمدیدگان می تپید و سعی داشت یار و مددکار آن ها باشد.

در شرایط انقلابی سال های ۵۶ و ۵۷ که کارگران و ستمدیدگان با مبارزات خود اوضاع سیاسی و اجتماعی ایران را دگرگون نمودند، رفیق علی نیز علیه رژیم ستم شاهی به مبارزه برخاست و به صفوف انقلاب مردم پیوست. او نیز هم چون هم طبقه ای های خود امید داشت که انقلاب عظیم مردم ایران نظام ظالمانه حاکم را دگرگون و به فقر و فلاکت و ظلم و ستم پایان بخشد. اما با ملاحظه شدن انقلاب مردم و شکست قیام بهمن، او با توجه به غریزه طبقاتی و آگاهی های سیاسی ای که کسب کرده بود خیلی زود متوجه ماهیت ضد خلقی رژیم تازه روی کار آمده شد. به همین دلیل همراه با بسیاری از جوانان انقلابی بندر عباس به صفوف چریک های فدایی خلق پیوست تا با کوشش در تداوم انقلاب به تحقق هدفی خدمت کند که نابودی سیستم سرمایه داری در ایران و برقراری نظم نوین متعلق به کارگران و ستمدیدگان بر ویرانه های نظم جابرانه موجود در چشم انداز آن قرار دارد.

دو برجستگی رفیق علی، یکی حسارت و بی باکی اش و دیگری مهارت او در راندن موتورهای بزرگ با سرعت زیاد همواره زبانزد یاران او بود. او که قلبش سرشار از کینه به سرمایه داران و همه استثمارگران و ستمگران بود می بایست از این برجستگی هایش علیه رژیم تازه روی کار آمده که وی می دانست مدافع استثمارگران و ستمگران می باشد، استفاده کند. در نتیجه او در جایگاه یک رفیق شجاع در تیم های عملیاتی چریک های فدائی خلق سازماندهی شد و توانست در عملیات متعددی علیه رژیم سرکوبگر جمهوری اسلامی شرکت نماید. از جمله این عملیات، مصادره بانک صادرات جهت تأمین نیازهای مبارزه علیه جمهوری اسلامی بود.

با یورش پاسداران سرمایه این حافظان مرگ و تباهی به نیروهای انقلابی و از جمله چریک های فدائی خلق در دهه ۶۰، رفیق علی دستگیر و مورد شدیدترین شکنجه ها قرار گرفت و از آن جا که وی هم چنان در زندان از آرمان های انقلابی خود دفاع نمود، پاسداران شب، سینه ستبر این کارگر رزمنده و نویدبخش روشنائی را به گلوله بستند. در شرایطی که سران جمهوری اسلامی برای حفظ رژیم شان می بایست خواست امپریالیست ها مبنی بر سرکوب انقلاب توده های مردم ایران را با خشونت هر چه تمام تر عملی سازند، آن ها از سال ۶۰ این رسم ضد انقلابی را بنا گذاشتند که پول گلوله هائی که با آن ها سینه انقلابیون کمونیست و دیگر آزادیخواهان را دریده بودند را از خانواده آن ها بگیرند. بر این اساس جنایتکاران حاکم در بندرعباس نیز برای تحویل دادن جنازه رفیق علی احمدی، از مادر بزرگش خواهان پرداخت پول گلوله هائی شدند که قلب بزرگ وی را از تپیدن باز داشته بود. اما این مادر رنج دیده که انقلابی دلاوری چون علی را در دامن خود پرورانده بود در مقابل این درخواست بیشمارانه با شجاعت تمام، همه حاکمین جمهوری اسلامی از خمینی گرفته تا دست اندرکاران زندان را به باد ناسزا گرفته و در حضور خانواده هائی که در مقابل درب زندان بندر عباس جمع شده بودند هر آن چه شایسته مزدوران جمهوری اسلامی بود را بر زبان راند. چندی بعد گوئی فریادهای آن روز مادر بزرگ علی بود که در سراسر جامعه ایران پژواک شد. به این ترتیب مرگ افتخار آفرین کارگری که در دوران زندگی با همه وجود علیه ظلم و استثمار که ذاتی نظام سرمایه داری است جنگیده بود افشاگر چهره جنایتکارانی شد که برای حفظ نظم ظالمانه خود از هیچ جنایتی دریغ نمی ورزند. توده های زحمتکش و تحت ستم ایران هنوز هم در هر جمعی، همان سخنانی را که مادر بزرگ علی با قلب سوخته اش بر زبان رانده بود نثار سر تا پای این رژیم ددمنش می کنند. اما این فریادها و چنین ناسزاهائی جلوه ای از خشم و نفرت بیکرانی است که در اعماق جامعه علیه سرمایه داران و همه ستمگران و رژیم حامی شان، جمهوری اسلامی جریان دارد. بی هیچ تردیدی خشم سوزان توده ها سرانجام دشمنان مردم را با همه دم و دستگاه شان در آتش گذاخته خود خواهد سوزاند؛ و به کارگران آگاه، به هم طبقه ای های چریک فدائی خلق، رفیق علی احمدی امکان خواهد داد که بر ویرانه های نظم ضد خلقی موجود، نظم دلخواه خود را بنا سازند.

یاد رفیق کارگر، علی احمدی گرامی و راهش پر رهرو باد!